



## Investigating the Effectiveness of Educational and Moral Orientations of Nahj al-Balagheh on Emotional Intelligence and Aggression of Students

Mohammad. Sadeghzadeh<sup>1</sup>, Farhad. Edrisi\*<sup>2</sup>, Mohammad Hossein. Saini<sup>3</sup> & Hossein. Morad Zanjani<sup>3</sup>

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

2. \*Corresponding Author: Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

ARTICLE INFORMATION	ABSTRACT
<b>Article type</b> Original research Pages: 169-181 <b>Corresponding Author's Info</b> Email: FarhadEdrisi2022@gmail.com <b>Article history:</b> Received: 2022/08/30 Revised: 2022/12/31 Accepted: 2022/01/10 Published online: 2023/11/02 <b>Keywords:</b> <i>Educational components, moral components, Nahj al-Balagha, emotional intelligence.</i>	<b>Background and Aim:</b> Today, emotional intelligence is one of the important subjects in the education of students to increase various skills throughout their life. Also, aggression is one of the significant issues of the experts that paying attention to these two issues in the course of students' curriculum can have positive effects. Based on this, the main goal of the present study was to investigate the effect of educational and moral orientations (components) of Nahj al-Balagha on reducing students' aggression. <b>Methods:</b> The current research method was quasi-experimental with pre-test and post-test and with a control group. The project was implemented in the framework of a quasi-experimental method with a pre-test and post-test and with a control group. The target population is all the male students of the first year of high school in one district of Tabriz in the academic year 2016-2017, who were selected by cluster sampling method and 30 students were randomly divided into two experimental (15) and control (15) groups. were replaced and the aggression questionnaire of Bass and Perry (1992) was obtained from both groups. Then, the experimental group was subjected to the intervention of the independent variable "educational and moral components" for 10 sessions, and the control group did not receive any intervention. After the end of the intervention, a post-test of aggression was performed in both groups to determine the effect of the independent variable on the dependent variables of "emotional intelligence, aggression". Data were described and analyzed using standard deviation, mean and covariance analysis. <b>Results:</b> The findings showed that teaching the educational and moral components of Nahj al-Balagha has an effect on reducing students' aggression and the level of aggression decreases significantly. The calculated F was (72.47) and the significance level was $p < 0.05$ . Also, the applicability of using Nahj al-Balagha concepts in schools and other educational centers in order to reduce the aggression of secondary school students had a significant effect. The calculated F was (38.45) and the significance level was $p < 0.05$ . <b>Conclusion:</b> Based on the findings, it can be concluded that using the educational and moral orientations of Nahj al-Balagha is effective on the emotional intelligence and aggression of students, and therefore lesson planners and schools can use these orientations in their education.



This work is published under CC BY-NC 4.0 licence.

© 2023 The Authors.

### How to Cite This Article:

Sadeghzadeh, M., Edrisi, F., Saini, M. H., & Moradi Zanjani, H. (2023). Investigating the Effectiveness of Educational and Moral Orientations of Nahj al-Balagheh on Emotional Intelligence and Aggression of Students. *Jayps*, 4(8), 169-181.



## بررسی میزان اثربخشی جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه بر هوش هیجانی و پرخاشگری دانش‌آموزان

محمد صادق زاده<sup>۱</sup>، فرهاد ادریسی<sup>۲\*</sup>، محمد حسین صائینی<sup>۳</sup> و حسین مرادی زنجان<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران
۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران
۳. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

### چکیده

**زمینه و هدف:** امروزه هوش هیجانی یکی از موضوعات مهم در دوره آموزش دانش‌آموزان جهت افزایش مهارت‌های مختلف در طول دوره زندگی است. همچنین پرخاشگری از مسائل قابل توجه صاحب‌نظران است که توجه به این دو موضوع در دوره برنامه درسی دانش‌آموزان می‌تواند اثرات مطلوبی برجای داشته باشد. بر همین اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر جهت‌گیری‌های (مؤلفه‌های) تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه بر هوش هیجانی و کاهش پرخاشگری در دانش‌آموزان انجام گرفت. **روش پژوهش:** روش پژوهش حاضر شبه آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و با گروه کنترل اجرا گردید. جامعه موردنظر کلیه دانش‌آموزان پسر دوره‌ی اول متوسطه مدارس ناحیه‌ی یک تبریز در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۳۰ دانش‌آموز انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵) و کنترل (۱۵) جایگزین شدند و پرسشنامه‌های پرخاشگری باس و پری (۱۹۹۲) و هوش هیجانی برادبری و گریوز (۲۰۰۵) از هر دو گروه اخذ گردید. بعد گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه تحت مداخله‌ی متغیر مستقل «مؤلفه‌های تربیتی و اخلاقی» قرار گرفت و گروه کنترل هیچ مداخله‌ی دریافت نکرد. پس از پایان مداخله از هر دو گروه پس‌آزمون پرخاشگری به عمل آمد تا تأثیر متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته «هوش هیجانی و پرخاشگری» مشخص گردد. داده‌ها با استفاده از انحراف استاندارد، میانگین و تحلیل کوواریانس مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد، آموزش مؤلفه‌های تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان تأثیر دارد و به‌صورت معنی‌داری میزان پرخاشگری کاهش می‌یابد ( $F=72/4, P<0/05$ ). همچنین، قابلیت کاربرد استفاده از مفاهیم نهج‌البلاغه در مدارس و سایر مراکز تعلیم و تربیت در جهت کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان متوسطه دارای تأثیر معناداری بود ( $F=38/45, P<0/05$ ). **نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت بهره‌گیری از جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه بر هوش هیجانی و پرخاشگری دانش‌آموزان تأثیرگذار است و لذا برنامه ریزان درسی و مدارس می‌توانند از این جهت‌گیری‌ها در آموزش‌های خود استفاده کنند.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۱-۱۶۹

اطلاعات نویسنده مسئول

ایمیل:

FarhadEdrisi2022@gmail.com

سابقه مقاله

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

تاریخ اصلاح مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۸/۱۰

### واژگان کلیدی

مؤلفه‌های تربیتی، مؤلفه‌های اخلاقی، نهج‌البلاغه، هوش هیجانی، پرخاشگری

انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.



شیوه‌استناد به این مقاله

صادق زاده، محمد، ادریسی، فرهاد، صائینی، محمد حسین، و مرادی زنجان، حسین. (۱۴۰۲). بررسی میزان اثربخشی جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه بر هوش هیجانی و پرخاشگری دانش‌آموزان. *مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان*. ۴(۸)، ۱۸۱-۱۶۹.

## مقدمه

مباحث تربیتی و اخلاقی یکی از بنیادی‌ترین مباحث علوم انسانی و اسلامی است؛ و با بیشتر رشته‌های علمی ارتباط تنگاتنگ دارد و در اخلاق، سازندگی، خودسازی و جامعه سازی، گاهی به‌عنوان نتیجه و ره‌آورد مباحث ارزشمند انسانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بدیهی است که سعادت فرد و جامعه، تکامل و ترقی انسان‌ها و خانواده‌ها، پیشرفت جوامع بشری و سلامت جسم و جان بشر، همه و همه به مسئله تربیت و اخلاق مربوط می‌شود. می‌دانیم که مکتب اسلام کامل‌ترین مکتب تربیتی و اخلاقی است که دستورات و قواعد و روش‌های تربیتی و اخلاقی آن از چشمه‌سار همیشه جاری وحی الهی گرفته‌شده و با رهنمودهای مداوم ائمه معصومین (ع) در تئوری و عمل لباس حقیقت پوشیده است (صالحی بابامیری و فرجی، ۱۳۹۸). نهج‌البلاغه نیز به‌عنوان بهترین و گویاترین زبان قرآن و تبیین‌کننده مباحث تربیتی و اخلاقی اسلامی هست. آشنایی و بررسی جهت‌گیری‌های کلان تربیتی و اخلاقی امام علی (ع) در نهج‌البلاغه و فراگیر کردن این جهت‌گیری‌ها در جامعه علی‌الخصوص در بین دانش آموزان و بررسی میزان تأثیر این جهت‌گیری‌ها می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات و آسیب‌های تربیتی و اخلاقی در جامعه باشد (طالبی، مزارعی و نعمت‌اللهمی، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر دوران کودکی و نوجوانی سال‌های مناسبی برای تشخیص مشکلات عاطفی، اجتماعی و تحصیلی آنان در آینده است درواقع مداخله‌ی به‌هنگام و اصلاح رفتارهای ناسازگار کودک در این دوره‌ی حساس موجب افزایش مهارت‌های اجتماعی و محبوبیت نزد همسالان و بزرگسالان می‌شود و کودک را برای پذیرش مسئولیت‌های آتی آماده می‌سازد (شهیم، ۱۳۸۶).

پرخاشگری یکی از شایع‌ترین مشکلات کودکان و یکی از دلایل مهم ارجاع دادن آنان به روان‌درمان‌گران است (لئون - مورنو، موسستو، پارادو، استوانز و کالیجاس -

جرینمو<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). شناخت این مشکل نزد کودکان خردسال و مداخله به‌هنگام می‌تواند از ادامه‌ی این رفتار پیش‌گیری کند (گودوین، پیسی و گریس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). پرخاشگری انسانی، عبارت از هرگونه رفتاری که مستقیماً از یک فرد به‌قصد آسیب رساندن به فرد دیگری صادر می‌شود. در راستای کنترل این رفتارها، مرتکب شونده باید باور داشته باشد که رفتارش به هدف آسیب رساندن به دیگری بوده است که پیامد آن برانگیختن رفتاری اجتنابی است (آلوارز - گارسیا، نونیز، گارسیا و باررو - کولازو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸).

عبارت هوش هیجانی<sup>۴</sup> ابتدا در سال ۱۹۸۵ توسط وین پین<sup>۵</sup> مطرح و توسط دانیل گلمن در سال ۱۹۹۵ محبوبیت یافت. بیشترین پژوهش‌ها در این زمینه توسط سالووی<sup>۶</sup> و مایر<sup>۷</sup> در دهه‌ی ۹۰ صورت گرفته است (میر، کارسو و سالووی<sup>۸</sup>، ۲۰۱۶). شکل‌گیری اجزای هوش هیجانی، ابتدا در سال‌های اولیه زندگی کودک انجام می‌گیرد اگرچه شکل‌گیری این ظرفیت‌ها در خلال سال‌های مدرسه نیز ادامه پیدا می‌کند، توانایی‌های هیجانی که کودکان بعدها در زندگی کسب می‌کنند بر پایه‌ی این آموخته‌های سال اول قرار دارد و این توانایی‌ها مبنای احساسی تمام یادگیری‌ها است (دبکی<sup>۹</sup>، ۲۰۱۶).

از آنجا که مشکلات رفتاری در هر دوره‌ای از زندگی می‌تواند بروز یابد، تبحر و مهارت داشتن در هر یک از مهارت‌های مربوط به هوش هیجانی می‌تواند فرد را در مقابل مسائل و مشکلات رفتاری از جمله اضطراب،

1. León Moreno, Musitu, Pardo, Estevez & Callejas Jerónimo
2. Goodwin, Pacey & Grace
3. Álvarez-García, Núñez, García & Barreiro-Collazo
4. Emotional Intelligence
5. Vian pin
6. Salovey
7. Mayer
8. Mayer, Caruso & Salovey
9. Dabke

هستند، عموماً کوتاه‌مدت هستند. بعد از تشکیل جلسات و تشخیص مشکلات و هدف‌گذاری، اصول مدل شناختی آموزش داده می‌شود و تکالیفی برای درمان‌جویان تعیین می‌شود (یاوند حسنی، ۱۳۹۰).

در کتاب نهج‌البلاغه برای آموزش رفتارهای خوب و درست در افراد، مفاهیم و مؤلفه‌ها و جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی فراوانی آورده شده که می‌توان با ساده‌سازی آن‌ها، برای آموزش و تقویت هوش هیجانی دانش‌آموزان از آن‌ها استفاده نمود. بر همین اساس و با توجه به اهمیت و نقش نهج‌البلاغه به‌عنوان آخ‌القرآن در زندگی ما مسلمانان و با توجه به پیامدهای نامطلوب پرخاشگری، محدودیت‌های مربوط به استفاده از دارو در روان‌پزشکی اطفال، هزینه‌های زیاد روان‌درمانی کودکان برای بسیاری از خانواده‌ها و نیز فقدان مطالعاتی که به بررسی اثربخشی شیوه‌های تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه برای کاهش پرخاشگری طی یک دوره پی‌گیری بپردازند و همچنین عدم مطالعات کافی در زمینه تأثیر این مفاهیم در افزایش هوش هیجانی و نیز عدم تحقیقات انجام شده هم‌زمان در رابطه با تأثیر نهج‌البلاغه درمانی بر پرخاشگری و هوش هیجانی علی‌الخصوص در داخل کشور و نیاز مبرم به این تحقیقات، تحقیق حاضر با الگو‌گیری از جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه با ساده‌سازی مفاهیم تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه به‌منظور درک دانش‌آموزان و همچنین، ایجاد علاقه و توجه بیشتر نوجوانان نسبت به نهج‌البلاغه، باهدف بررسی تأثیر جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه بر هوش هیجانی و پرخاشگری دانش‌آموزان متوسطه اول صورت پذیرفت. به همین منظور، دو فرضیه به شرح زیر، تهیه و موردسنجش قرار گرفت:

۱- مفهوم‌سازی جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی کلمات قصار نهج‌البلاغه موجب افزایش هوش هیجانی در دانش‌آموزان می‌شود.

پرخاشگری<sup>۱</sup> و خشم تا حدی مصون نگاه دارد (علیزاده؛ به نقل از فتحی‌هودرق، ادیب سرشکی و ساجدی، ۱۳۹۲). بار - ان<sup>۲</sup> (۲۰۰۱)، هوش هیجانی را به‌عنوان مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌های غیر شناختی می‌داند که توانایی‌های فرد را در برخورد موفقیت‌آمیز با مقتضیات و فشارهای محیطی افزایش داده و موجب بروز رفتارهای سازگارانه و انسان‌دوستانه از سوی فرد می‌شود. مطالعات نشان می‌دهند که آموزش هوش هیجانی موجب افزایش خودکنترلی، کاهش حالت‌های تهاجمی (خشم)، استقلال، مسئولیت‌پذیری، خودتنظیمی، همکاری گروهی، ابراز علاقه، احترام به دیگران و رعایت حقوق دیگران و تعاملات اجتماعی در کودکان شده است (متینگلی و کرایگر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). گوریان<sup>۴</sup> (۱۹۹۷)، معتقد است از یک‌سو چون پسران در عرصه هیجانی احساس بی‌کفایتی می‌کنند، به مفاهیم تربیتی نیاز دارند تا به آن‌ها زبانی درونی - انعکاسی برای تجربیات احساسی ببخشد. از سوی دیگر چون دانش‌آموزان پرخاشگر در فهم بیان همدلی نقص‌هایی دارند و به دفاعی بودن متمایل‌اند، به‌علاوه نسبت به تغییر و درمان مقاوم هستند، تبیین مفاهیم تربیتی و اخلاقی با زبان آنان می‌تواند در کاهش پرخاشگری مفید باشد و به آن‌ها بیاموزد که چگونه خود را تغییر دهند.

اگر ما به سال‌های گذشته نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم که مدل‌ها و نظریه‌های روان‌درمانی دچار تغییر و دگرگونی شده‌اند. رویکرد روان‌پویشی سنتی به سمت رویکردهای شناختی - رفتاری و رویکردهای سیستمی پیش رفته است. در سال‌های اخیر نیز جهت‌تغییرات به سمت درمان‌های کوتاه‌مدت پیامد نگر بوده است (ولز<sup>۵</sup>؛ به نقل از یاوند حسنی، ۱۳۹۰). درمان‌های ساختاری به خاطر این‌که از نظر ماهیت فعل، رهنمودی و ساخت دار

1. aggression
2. Bar - On
3. Mattingly & Kraiger
4. Gurian
5. Wales

برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تحقیق استفاده گردید. سپس داده‌ها بعد از نمره‌گذاری و محاسبه به کمک نرم‌افزار SPSS23 و با استفاده از روش‌های آماری توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (تحلیل کوواریانس یک‌راهه) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه‌ی پرخاشگری باس و پری (۱۹۹۲): پرخاشگری دانش‌آموزان توسط پرسشنامه پرخاشگری باس و پری اندازه‌گیری خواهد شد. نسخه‌ی جدید پرسشنامه پرخاشگری که نسخه‌ی قبلی آن تحت عنوان پرسشنامه خصومت بود، توسط باس و پری (۱۹۹۲) مورد بازنگری قرار گرفت. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی است که شامل ۲۹ عبارت و چهار زیر مقیاس است، که عبارت است از پرخاشگری بدنی (PA)، پرخاشگری کلامی (VA)، خشم (A) و خصومت (H)، آزمودنی‌ها به هر یک از عبارات در یک طیف ۵ درجه‌ای از: کاملاً شبیه من است (۵)، تا حدودی شبیه من است (۴)، نه شبیه من است نه شبیه من نیست (۳)، تا حدودی شبیه من نیست (۲)، اصلاً شبیه من نیست (۱) جواب می‌دهند. دو عبارت ۹ و ۱۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمره کل برای پرخاشگری با مجموع نمرات زیر مقیاس‌ها به دست می‌آید. پرسشنامه‌ی پرخاشگری دارای اعتبار و روایی قابل قبولی است. نتایج ضریب باز آزمایی برای چهار زیرمقیاس (بافاصله ۹ هفته) ۰/۸۰ تا ۰/۷۲ و همبستگی بین چهار زیر مقیاس ۰/۳۸ تا ۰/۴۹ به دست آمده است. جهت سنجش اعتبار درونی مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج نشانگر همسانی درونی زیرمقیاس پرخاشگری بدنی ۰/۸۲، پرخاشگری کلامی ۰/۸۱، خشم ۰/۸۳ و خصومت ۰/۸۰ بود.

۲. پرسشنامه‌ی هوش هیجانی برادبری و گریوز (۲۰۰۵): این آزمون توسط دکتر تراویس برادبری و دکتر جین گریوز (۲۰۰۵) تدوین شده است و کار

۲- مفهوم‌سازی جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی کلمات قصار نهج البلاغه موجب کاهش پرخاشگری در دانش‌آموزان می‌شود.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع مداخله‌ای شبه آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و با گروه کنترل و از نظر هدف کاربردی بود. جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان پسر دوره‌ی اول متوسطه پسرانه ناحیه‌ی یک تبریز (۱۳۵۰۰ نفر) در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ می‌باشد. در تحقیق حاضر برای تعیین نمونه‌ی آماری ابتدا به صورت خوشه‌ای از بین مدارس متوسطه اول ناحیه‌ی یک تبریز ۵ مدرسه انتخاب و از هر مدرسه ۳ کلاس (از هر پایه ۱ کلاس) به صورت تصادفی انتخاب گردید، سپس از بین کلاس‌های موجود ۹۰ نفر (از هر کلاس ۶ نفر) به صورت تصادفی انتخاب گردید (چون یکی از متغیرهای تحقیق حاضر پرخاشگری می‌باشد) و نمونه‌ی نهایی از بین افرادی که پرخاشگری بالایی دارند انتخاب می‌گردد؛ لذا پرسشنامه‌ی پرخاشگری باس و پری بین ۹۰ نفر در یک‌زمان مشخص برگزار شد و ۳۰ نفر (از هر پایه‌ی تحصیلی ۱۰ نفر) که بیشترین نمره را در این میان کسب کرده بودند به عنوان نمونه‌ی نهایی انتخاب گردیدند) بعد نمونه‌ی انتخاب شده به صورت تصادفی (از هر پایه ۵ نفر در هر گروه انتخاب شد) در دو گروه کنترل و آزمایش جایگزین گردیدند. بعد از هر دو گروه پرسشنامه‌ی هوش هیجانی برادبری و گریوز به صورت پیش‌آزمون انجام گرفت. سپس بر روی گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه در ۵ هفته (هر هفته ۲ جلسه و هر جلسه ۶۰ دقیقه) اجرا گردید. همچنین گروه کنترل تحت هیچ درمانی قرار نگرفتند. بعد از اتمام جلسات درمانی، پس‌آزمون پرخاشگری و هوش هیجانی از هر دو گروه به صورت هم‌زمان انجام پذیرفت. با توجه به فرضیه‌های تحقیق طرح آزمایشی بین گروهی تک متغیره با پیش‌آزمون و پس‌آزمون انتخاب و از روش تحلیل کواریانس تک متغیره

آزمون با فرمول آلفای کرونباخ برای پسران برابر با ۰/۸۲ (۲۴۳ نفر) و برای دختران ۰/۸۳ (۲۹۷ نفر) است. در هنجاریابی آزمون در ۲ نوبت اجرا و برای ۴ مهارت تشکیل‌دهنده‌ی هوش هیجانی و جمع کل نمرات به ضرایب اعتبار، خودآگاهی (۰/۷۳)، خود مدیریتی (۰/۸۷)، مدیریت روابط (۰/۷۶)، آگاهی اجتماعی (۰/۷۸) و هوش هیجانی (۰/۹۰) دست یافتند که همه‌ی سؤالات با کل آزمون همبستگی مثبت بالایی دارند. همه‌ی ضرایب به‌دست‌آمده در سطح ۰/۹۹ معنی‌دار است. به‌طور کلی ضریب پایایی آزمون هوش هیجانی برادبری و گریوز هم برای کل گروه و هم برای دختران و پسران در حد مطلوب و در مقایسه با آزمون‌های مشابه قوی‌تر می‌باشد.

**۳. طرح درمان:** در پژوهش حاضر، ۵ مؤلفه از جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی امام علی (ع) در کلمات قصار به‌منظور تقویت مهارت‌های هوش هیجانی و کاهش پرخاشگری تهیه گردید. جهت تعیین روایی محتوای ارائه‌شده از نظرات ۵ نفر افراد متخصص و کارشناس بالینی ۴ نفر از طلاب علوم دینی استفاده گردید. هر یک از مؤلفه‌ها در یک هفته طی دو جلسه ۶۰ دقیقه در قالب کارگروهی با دانش آموزان موردبحث و بررسی قرار گرفت. برخی از مواردی که در جلسات موردبحث و بررسی قرار گرفت بر اساس جدول (۱) عبارت‌اند از:

هنجاریابی و ترجمه‌ی این آزمون در ایران توسط گنجی، میر هاشمی و ثابت (۱۳۸۵) انجام‌گرفته است. این آزمون دارای ۲۸ ماده است که به ۵ مقیاس هوش هیجانی کلی، خودآگاهی، خود مدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط تقسیم می‌شود. این آزمون بیانگر قدرت درک و توان واکنش اثربخش افراد است که در روابط اجتماعی و در بده بستان‌های روانی و عاطفی در شرایط خاص چه عملی مناسب و چه عملی نامناسب است. هوش هیجانی نوعی استعداد عاطفی است که تعیین می‌کند از مهارت‌های خود چگونه به بهترین نحو ممکن استفاده کنیم و حتی کمک می‌کند خرد را در مسیری درست به‌کارگیریم. شیوه‌ی نمره‌گذاری این پرسشنامه ۲۸ ماده‌ای به‌صورت ۶ گزینه‌ای می‌باشد و شامل گزینه‌ی ((هرگز))، ((بندرت))، ((گاهی))، ((معمولاً))، ((تقریباً همیشه))، ((همیشه))، می‌گردد. آزمودنی‌ها باید به یکی از ۶ گزینه در هر سؤال، پاسخ دهند و سپس بر اساس مقادیر ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، نمره‌گذاری شود و نمره‌ی کل برابر با مجموع نمره‌ی هر خرده آزمون می‌باشد. (از ۲۸ تا ۱۶۸). به‌منظور برآورد پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده‌شده است. نتایج نشان می‌دهد که ضریب پایایی (همسانی) آزمون هوش هیجانی برادبری و گریوز برای کل گروه برابر با ۰/۸۳ است. همچنین ضریب پایایی

**جدول ۱. پروتکل درمانی جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی امام علی (ع) در کلمات قصار به‌منظور تقویت مهارت‌های هوش هیجانی و کاهش پرخاشگری**

جلسه	هدف	محتوا
اول	آموزش حکمت‌های نهج‌البلاغه	هفته اول آموزش حکمت‌های نهج‌البلاغه در زمینه راه اصلاح و به سامان رسیدن امور بود. امام(علیه‌السلام) در حکمت ۸۹ که در واقع مرکب از سه جمله است به سه امر مهم اشاره می‌کند و می‌فرماید: «کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند خداوند میان او و مردم را اصلاح می‌کند و کسی که امر آخرتش را اصلاح کند خداوند امر دنیايش را اصلاح خواهد کرد و کسی که در درون وجودش واعظی داشته باشد خداوند حافظی برای او قرار خواهد داد»؛ (مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ، وَمَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَا، وَمَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ).
دوم	آموزش مهارت‌های مقابله‌ای	هفته دوم آموزش مهارت‌های مقابله به با احساس ناامیدی، تنهایی، پرخاشگری، خشم و خشونت با استفاده از تعالیم اخلاقی حکمت‌های نهج‌البلاغه بود. در این جلسه مهم ترین آموزه‌ها و حکمت‌های مرتبط معرفی شده و مورد ایفای نقش قرار گرفتند. از جمله: امام(علیه‌السلام) درگفتار حکمت آمیز ۲۷ به یک اصل مهم بهداشتی و درمانی اشاره می‌کند می‌فرماید: «با بیماری ات بساز مادامی که با تو همراهی می‌کند»؛ (امشِ بِدَائِكَ مَا مَشَى بِكَ). اشاره به این که تا زمانی که بیماری فشار شدید نیاورده بگذار بدنت

بدون نیاز طبیبان و دارو آن را دفع کند. این مسئله شاید در آن روز که امام این را می فرمود روشن نبود؛ اما امروز روشن است که بدن خود دارای نیروی دفاعی است و هرگاه بیماری با استفاده از قدرت دفاعی بدن از بین برود هم زیان های دارو و درمان را ندارد و هم بدن را تقویت کرده و برای آینده بیمه می کند. البته هرگاه نیروی دفاعی بدن عاجز بماند باید با استفاده از طبیب و دارو به کمک او شتافت تا بیماری را دفع کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰) اضافه بر این بسیاری از بیماری ها دورانی دارد که با پایان دورانش خود به خود دفع می شود. از این گذشته انسان وقتی در مقابل بیماری تسلیم می شود و با مختصر ناراحتی در بستر می خوابد به خودش تلقین بیماری می کند، تلقین خود اثر تخریبی دارد. به عکس اگر برخیزد و کار روزانه خود را ادامه دهد عملاً تلقین سلامت کرده و در روح او بسیار مؤثر است. امام علی (علیه السلام) در گفتار حکیمانه دیگر در حکمت ۱۹۷ راه به دست آوردن نشاط برای انجام کارهای مهم زندگی را نشان داده می فرماید: «این دل ها همانند تن ها، خسته و افسرده می شوند. برای رفع ملالت و افسردگی آنها سخنان حکمت آمیز و زیبا و ظریف انتخاب کنید»؛ «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْإِبْدَانُ، فَأَبْتَعُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ». این یک واقعیت است که روح و جسم هر دو بر اثر کارهای مختلف خسته می شوند. چرا؟ زیرا توان نیروی انسان محدود است و این محدودیت سبب خستگی جسم و جان می گردد. اما خدای متعال که انسان را برای ادامه زندگی آفریده به وی قدرتی داده که می تواند جوششی از درون ایجاد کند و این جوشش، نیرو و توان جدیدی برای کارهای مجدد به او بدهد.

**سوم** آموزش نقش صبر و شکیبائی در این جلسه به آموزش نقش صبر و شکیبائی در چیره شدن بر مشکلات با استفاده از آموزه های نهج البلاغه پرداخته شد از جمله: امام (علیه السلام) در حکمت ۴۱۳ نهج البلاغه مصیبت زدگان را بر سر دو راهی قرار می دهد، می فرماید: «هرکس همچون آزادگان شکیبا باشد (به اجر و پاداش صابران خواهد رسید و آرامش خواهد یافت) وگرنه همچون جاهلان، خود را به غفلت خواهد زد»؛ «مَنْ صَبَرَ صَبَرَ الْأَخْرَارَ، وَإِلَّا سَلَ سَلَوُ الْأَعْمَارِ». اشاره به این که برای تخفیف آلام و دردهای مصائب، انسان دو راه در پیش دارد؛ راهی را عاقلان برمی گزینند و راه دیگر را جاهلان. افراد عاقل و بزرگوار و باشخصیت در برابر مصائب شکیبایی پیشه می کنند، جزع و فزع به خود راه نمی دهند. اما جاهلان، این راه روشن و پرافتخار را رها کرده برای فراموش کردن مصائب، خود را به غفلت و بی خبری می زنند و به سرگرمی های ناسالم و لهو و لعب می پردازند؛ نه اجر صابران را دارند و نه افتخارات آن ها را.

**چهارم** آموزش نقش یاد معاد در مقابله با اندوه و پریشانی در این جلسه به آموزش نقش یاد معاد در مقابله با اندوه و پریشانی و فقر و رسیدن به سعادت پرداخته شد از جمله: مولای متقیان در حکمت ۴۴ نهج البلاغه می فرماید: «خوشا به حال کسی که (پیوسته) به یاد معاد باشد و برای روز حساب عمل کند»؛ «طُوبَى لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ، وَعَمِلَ لِلْحِسَابِ». هنگامی که واژه معاد گفته می شود دنیایی در برابر انسان مجسم می گردد که در آن موازین سنجش اعمال برپاست و نامه های اعمال به دست افراد است؛ گروهی (نیکوکاران) به دست راست و گروهی (بدکاران) به دست چپ. آن گاه در سومین و چهارمین جمله می فرماید: «به مقدار کفایت قانع گردد و از خدا راضی باشد»؛ «وَقَنِعَ بِالْكَفَافِ، وَرَضِيَ عَنِ اللَّهِ». منظور از قانع بودن به مقدار کفایت این است که حداقل لازم زندگی را داشته باشد، زیرا بالاتر از آن خالی از مسئولیت نیست و کمتر از آن خالی از ذلت. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰)

**پنجم** آموزش ارزش های اخلاقی در این جلسه به آموزش مهم ترین ارزش های اخلاقی از دیدگاه امام علی (ع) در کلمات قصار و حکمت آمیز که عمل به آنها منجر به سلامت روان انسان می گردد پرداخته شد از جمله: امام (علیه السلام) در حکمت ۲۱۲ نهج البلاغه سیزده ارزش اخلاقی را بیان نموده و می فرماید: «بخشش حافظ آبرو هاست»؛ «الْجُودُ حَارِسُ الْأَعْرَاضِ». روشن است که بسیاری از مردم به علت حسد یا تنگ نظری، در مقام عیب جویی بر می آیند و به بهانه های مختلف آبروی اشخاص را بر باد می دهند؛ ولی هنگامی که انسان دستش به جود و بخشش باز باشد، عیب جویان ساکت می شوند و حاسدان خاموش می گردند. امام در دومین جمله از این کلام حکیمانه می فرماید: «حلم دهان بند سفیه است»؛ «وَالْحِلْمُ فِدَامُ السَّفِيهِ». امام (علیه السلام) در اینجا تعبیر زیبایی را به کار برده و آن تعبیر «فدام» و دهان بند است. گاه حیواناتی را که گاز می گیرند یا غذاهایی را که نباید بخورند می خورند دهان بند می زنند. بهترین راه مقابله با

سفیهان استفاده از دهان بند حلم است در سومین نکته می فرماید: «زکات پیروزی عفو است»؛ (وَالْعَفْوُ زَكَاةُ الْظَفْرِ). به یقین، هر موهبتی که از سوی خدا به انسان داده می شود زکاتی دارد؛ یعنی بهره ای از آن باید به دیگران برسد. پیروزی نیز موهبت بزرگی است و بهره ای که از آن به دیگران می رسد عفو از دشمن خطاکار است. در چهارمین نکته می فرماید: «دوری و فراموشی کیفر پیمان شکنان است»؛ (وَالسُّؤُ عَوْضُكَ مِمَّنْ غَدَرَ). در پنجمین نکته به مسئله مهم سرنوشت ساز انسان‌ها اشاره می کند و می فرماید: «مشورت عین هدایت است»؛ (وَالِاسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهُدَايَةِ). در هفتمین نکته می فرماید: «صبر با مصائب می جنگد»؛ (وَالصَّبْرُ يَنَاضِلُ الْجِدَّتَانَ). در هشتمین نکته به آن اشاره کرده می فرماید: «جزع و بی تابی به حوادث دردناک زمان کمک می کند»؛ (وَالْجَزَعُ مِنْ أَعْوَانِ الزَّمَانِ). اشاره به این که گذشت زمان قوای انسان را تدریجاً تحلیل می دهد و هر نفسی قدمی به سوی مرگ است؛ ولی جزع و بی تابی سبب تشدید آثار آن می شود. نهمین نکته همان چیزی است که در حکمت ۳۴ آمده، می فرماید: «برترین بی نیازی ترک آرزوهاست»؛ (وَأَشْرَفُ الْعَيْنِ تَرْكُ الْمُنَى). آن گاه در دهمین نکته به سراغ غلبه هواپرستی بر بسیاری از انسان‌ها رفته می فرماید: «چه بسا عقل‌ها که در چنگال هوا و هوس‌های حاکم بر آنها اسیرند»؛ (وَكَمْ مِنْ عَقْلٍ أُسِيرَ تَحْتَ هَوَى أَمِيرٍ). سپس در یازدهمین نکته به مسئله مهم دیگری اشاره کرده می فرماید: «حفظ تجربه‌ها بخشی از موفقیت است»؛ (وَمِنْ التَّوْفِيقِ حِفْظُ التَّجْرِبَةِ) سپس در دوازدهمین نکته حکیمانه به اهمیت دوستان اشاره کرده می فرماید: «دوستی، نوعی خویشاوندی اکتسابی است»؛ (وَالْمَوَدَّةُ قَرَابَةٌ مُسْتَفَادَةٌ). سرانجام در سیزدهمین و آخرین نکته گرانبها می فرماید: «به انسانی که ملول و رنجیده خاطر است اعتماد مکن»؛ (وَلَا تَأْمَنْنَ مَلُولًا)

### روش اجرا

در این تحقیق به منظور رعایت مسائل اخلاقی و فراهم آوردن فضایی مساعد برای آزمودنی‌ها در ابتدا ضمن ارائه‌ی توضیحات کافی به والدین و معلمان آزمودنی‌ها، درباره‌ی اهمیت، شیوه، مدت و شرایط اجرای برنامه و ارزیابی‌ها از والدین رضایت‌نامه‌ی کتبی برای شرکت آزمودنی‌ها در تحقیق اخذ گردید. ضمناً والدین اختیار داشتند در صورت عدم همکاری فرزندان خود را از شرکت

در جلسات درمانی منع نمایند. در آخر با اهدای هدایایی از دانش آموزان شرکت‌کننده در تحقیق حاضر قدردانی به عمل آمد.

### یافته‌ها

یافته‌های جمعیت‌شناختی حاکی از همگنی نمونه آماری پژوهش حاضر است. در جدول (۲) برخی از ویژگی‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) در گروه‌های مختلف نشان داده شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای وابسته

منابع	گروه مورد مطالعه	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
پیش‌آزمون هوش هیجانی	گروه آزمایش	۱۵	۹۴	۱۴۷	۱۱۶/۳۳	۱۵/۱۹	۰/۶۷۱	-۰/۰۸۵
	گروه کنترل	۱۵	۸۶	۱۳۳	۱۰۸/۴۶	۱۴/۷۴	۰/۰۲۷	-۱/۰۰۸
پس‌آزمون هوش هیجانی	گروه آزمایش	۱۵	۹۱	۱۵۵	۱۳۴/۴۶	۱۰/۸۱	۰/۴۸۸	-۰/۲۴۱
	گروه کنترل	۱۵	۹۱	۱۳۹	۱۱۱/۳۳	۱۲/۳۵	۰/۵۴۷	۰/۳۶۶
پیش‌آزمون پرخاشگری	گروه آزمایش	۱۵	۱۰۳	۱۲۹	۱۱۸/۵۳	۷/۷۰	-۰/۵۷۲	-۰/۲۵۰
	گروه کنترل	۱۵	۱۰۴	۱۳۷	۱۱۷/۰۶	۹/۳۵	۰/۶۱۴	-۰/۱۳۷
پس‌آزمون پرخاشگری	گروه آزمایش	۱۵	۸۱	۱۱۳	۹۹/۳۳	۷/۸۷	-۰/۴۱۶	-۱/۰۸۸
	گروه کنترل	۱۵	۱۰۳	۱۲۸	۱۱۵/۱۳	۸/۷۲	۰/۳۴۷	-۱/۴۸۰



از طرفی میانگین پرخاشگری در پیش‌آزمون گروه آزمایش (۱۱۸/۵۳) بیش‌تر از گروه کنترل (۱۱۷/۰۶) است؛ از طرفی پراکندگی نمرات در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل در سطح مطلوبی قرار دارد. همچنین میانگین پرخاشگری در پس‌آزمون گروه آزمایش (۹۹/۳۳) کمتر از گروه کنترل (۱۱۵/۱۳) است؛ از طرفی پراکندگی نمرات در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل در سطح مطلوبی قرار دارد.

مندرجات جدول ۲، نشان می‌دهد که میانگین هوش هیجانی در پیش‌آزمون گروه آزمایش (۱۱۶/۳۳) بیش‌تر از گروه کنترل (۱۰۸/۴۶) است؛ از طرفی پراکندگی نمرات در گروه کنترل نسبت به گروه آزمایش در سطح مطلوبی قرار دارد. همچنین میانگین هوش هیجانی در پس‌آزمون گروه آزمایش (۱۳۴/۴۶) بیشتر از گروه کنترل (۱۱۱/۳۳) است؛ از طرفی پراکندگی نمرات در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل در سطح مطلوبی قرار دارد.

جدول ۳. تحلیل کواریانس تک متغیره نمرات در پس‌آزمون هوش هیجانی

متغیر	منابع	مجموعه مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	مجدور توان
هوش هیجانی	پیش‌آزمون	۲۰۴۳/۶۲۹	۱	۲۰۴۳/۶۲۹	۳۱/۸۶	۰/۰۰۰۱	۰/۵۴
	روش	۲۴۶۶/۰۶۲	۱	۲۴۶۶/۰۶۲	۳۸/۴۵	۰/۰۰۰۱	۰/۵۸
	خطا	۱۷۳۱/۴۳	۲۷	۶۴/۱۲۷			
	کل	۴۶۰۹۲۱	۳۰				
پرخاشگری	پیش‌آزمون	۲۰۴۳/۶۲۹	۱	۲۰۴۳/۶۲۹	۳۱/۸۶	۰/۰۰۰۱	۰/۵۴
	روش	۲۴۶۶/۰۶۲	۱	۲۴۶۶/۰۶۲	۳۸/۴۵	۰/۰۰۰۱	۰/۵۸
	خطا	۱۷۳۱/۴۳	۲۷	۶۴/۱۲۷			
	کل	۴۶۰۹۲۱	۳۰				

اخلاقی نهج البلاغه موجب افزایش هوش هیجانی و کاهش پرخاشگری در دانش‌آموزان شده است.

بر اساس نتایج جدول ۳، و با توجه به سطح معناری که کمتر از  $p < 0/001$  است و نیز بر اساس مقدار F محاسبه شده می‌توان گفت استفاده از جهت‌گیری‌های تربیتی و

جدول ۴. میانگین‌های اصلاح شده

منابع	گروه مورد مطالعه	تعداد	میانگین	خطای انحراف استاندارد
پس‌آزمون هوش هیجانی	گروه آزمایش	۱۵	۱۳۲/۲۷	۲/۱۰۴
	گروه کنترل	۱۵	۱۱۳/۵۲	۲/۱۰۴
پس‌آزمون پرخاشگری	گروه آزمایش	۱۵	۹۸/۷۹	۱/۴۰
	گروه کنترل	۱۵	۱۱۵/۷۴	۱/۴۰

سطح  $p < 0/05$  معنی دار است بنابراین پاسخ فرضیه اول مثبت است. از سویی با توجه به جدول میانگین‌های اصلاح شده (جدول ۴) می‌توان استنباط کرد که روش

مندرجات جداول ۳ و ۴ نشان می‌دهند که مولفه‌های تربیتی و اخلاقی کلمات قصار نهج البلاغه بر هوش هیجانی تاثیر دارد، چرا که F محاسبه شده (۳۸/۴۵) در

اگرچه شکل‌گیری این ظرفیت‌ها در خلال سال‌های مدرسه نیز ادامه پیدا می‌کند، توانایی‌های هیجانی که کودکان بعدها در زندگی کسب می‌کنند بر پایه‌ی این آموخته‌های سال اول قرار دارد و این توانایی‌ها مبنای احساسی تمام یادگیری‌ها است (دبکی، ۲۰۱۶). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بهره‌گیری از ظرفیت تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه می‌تواند موجب افزایش هوش هیجانی در دانش‌آموزان شود.

یافته دیگر این پژوهش تأثیرگذاری جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی کلمات قصار نهج‌البلاغه بر پرخاشگری دانش‌آموزان بود. در مورد این یافته نیز مستقیم پژوهش‌هایی که به بررسی اثر تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه بر کاهش پرخاشگری پرداخته باشد وجود ندارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت شروع درمان اختلالات رفتاری از جمله پرخاشگری از سنین پایین اثربخش‌تر می‌باشد (شهیم، ۱۳۸۶). پرخاشگری نیز یکی از این اختلالات رفتاری است که در دوران کودکی شایع هست (سوخودولسکی، کاسینوف و گرمن، ۲۰۰۴)، و شناخت این مشکل نزد کودکان و مداخله‌ی به‌موقع می‌تواند از ادامه این رفتار در بزرگسالی پیش‌گیری کند (گودوین، پیسی و گریس، ۲۰۰۳). در این تحقیق نیز به نتیجه‌ی مشابهی دست‌یافته شد؛ علاوه بر این هوش هیجانی شکلی از هوش اجتماعی است که به احساسات و هیجانات مربوط می‌شود (سالووی و مایر، ۱۹۹۰) گلمن (۱۹۹۵) در بروز پرخاشگری، جرائم و خشونت، نقص در هوش هیجانی را دخیل می‌داند. لذا، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده به‌راحتی می‌توان با کمک مؤلفه‌های تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه هم هوش هیجانی را در دانش‌آموزان افزایش داد و هم به کمک قصه و نیز افزایش هوش هیجانی پرخاشگری را در دانش‌آموزان کاهش داد. این روش می‌تواند به‌عنوان روشی اصلاحی و تربیتی در مراکز تعلیم و تربیت از جمله آموزش و پرورش و نیز مراکز مشاوره و کار با کودکان و نوجوانان به کار گرفته شود.

قصه‌گویی قرآنی (گروه آزمایش (۱۳۲/۲۷)، گروه کنترل (۱۱۳/۵۲)) در افزایش هوش هیجانی اثر بخش بوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهند که استفاده از مولفه‌های تربیتی و اخلاقی کلمات قصار نهج‌البلاغه بر پرخاشگری تاثیر دارد، چرا که  $F$  محاسبه شده (۷۲/۴۷) در سطح  $p < 0/05$  معنی دار است بنابراین پاسخ فرضیه دوم مثبت است. از سویی با توجه به جدول میانگین‌های اصلاح شده (جدول ۴). می‌توان استنباط کرد که جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه (گروه آزمایش (۹۸/۷۹)، گروه کنترل (۱۱۵/۷۴)) در افزایش هوش هیجانی اثر بخش بوده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر جهت‌گیری‌های (مؤلفه‌های) تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه بر هوش هیجانی و کاهش پرخاشگری در دانش‌آموزان انجام گرفت. یافته اول پژوهش نشان داد که جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی کلمات قصار نهج‌البلاغه بر هوش هیجانی دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد. در مورد یافته حاضر و همسو آن با مطالعات پیشین متأسفانه هنوز مطالعاتی مه‌مانند این پژوهش باشد انجام‌نشده و خلأ پژوهشی شکل داده است بنابراین یافته این پژوهش می‌تواند سرآغاز جدیدی برای تمرکز روی جهت‌گیری‌های تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه بر روی موضوعات مختلف به‌خصوص موضوع پرخاشگری و افزایش هوش هیجانی در دانش‌آموزان باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت اصولاً آموزه‌های تربیتی برگرفته از سخنان بزرگان دین دارای ماهیتی آرامش‌بخش و مناسب برای همه سنین است. در دوره متوسطه اول دانش‌آموزان در حال یادگیری و تثبیت انواع هوش خود به‌خصوص هیجانی هستند. هوش هیجانی در واقع نوعی هوش برای سازگاری موضوعات روانی و اجتماعی افراد است که سخنان نهج‌البلاغه دارای ویژگی‌هایی مانند تفکر در موضوعات مختلف زندگی و به‌خصوص نحوه زندگی است. شکل‌گیری اجزای هوش هیجانی در سال‌های اولیه زندگی کودک انجام می‌گیرد

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۰). پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، قم: انتشارات امام علی ابن ابیطالب (ع).

افتخار صعدی، زهرا، مهربانی زاده هنرمند، مهناز، نجاریان، بهمن، احدی، حسن، و عسگری، پرویز. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری و افزایش سازگاری فردی - اجتماعی در دانش آموزان دختر سال دوم متوسطه شهرستان اهواز. فصلنامه یافته‌های نو در روان شناسی، ۴(۱۲): ۱۳۷-۱۴۹.

شهیم، سیم. (۱۳۸۶). پرخاشگری رابطه‌ای در کودک پیش دبستانی. مجله روان پزشکی و روانشناسی ایران، ۳(۱۲): ۲۷۱-۲۶۴.

طالبی، احسان، مزروعی، مصطفی، و نعمت الهی، سوسن. (۱۳۹۸). بررسی عوامل موثر از دیدگاه نهج البلاغه در تعیین جایگاه معلمان و صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان، مجله دستاوردهای نوین در علوم انسانی، ۲(۱۸): ۱-۱۳.

صالحی بابامیری، نرمین، و فرجی، یوسف. (۱۳۹۸). بررسی نقش خانواده در تعلیم و تربیت فرزندان از منظر نهج البلاغه. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۳(۴۱): ۷۳-۸۴.

فتحی هودرق، خدیجه، ادیب سرشکی، نرگس، و ساجدی، فیروزه. (۱۳۹۲). تاثیر آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری و بیش فعالی دانش آموزان دختر کم توان جسمی - حرکتی. ویژه نامه توانبخشی اعصاب اطفال، ۱۴(۶): ۱۳۴-۱۲۹.

یاوند حسنی، اصغر. (۱۳۹۰). بررسی و مقایسه اثربخشی مشاوره گروهی به روش شناختی - رفتاری و قصه درمانی در کاهش اختلالات رفتاری دانش آموزان پسر دوره متوسطه منطقه سردرود همدان در سال تحصیلی ۹۰-۸۹. پایان نامه ارشد روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی.

Álvarez-García, D. Núñez, J. C. García, T. & Barreiro-Collazo, A. (2018). Individual, family, and community predictors of cyber-aggression among adolescents. *European journal of psychology applied to legal context*, 10(2), 79-88.

Anderson, C. A; & Bushman, B. J. (2002). Human aggression. *Journal of Annu Rev Psychology* 53: 27 – 51.

Bar – On, R. (2001). *Emotional intelligence and self – actualization*. NewYork: Routledge.

Bradberry, T., & Greaves, J. (2005). *Emotional Intelligence*. TalentSmart.

پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند. در این پژوهش از آنجاکه تأثیر متغیرهای تأثیرگذار دیگر مانند زمینه خانوادگی و جنسیت دانش آموزان موردنظر محقق نبود می‌تواند روی نتایج اثرگذار بوده باشد. نمونه مطالعه نیز محدود به منطقه خاصی بود و همچنین سنین این دوره نیز محدود به دوره متوسطه اول بود. لذا ممکن است نتایج در سنین دیگر با نتایج دیگری همراه باشد. لذا پیشنهاد می‌شود محققان در آینده به تعیین جنسیت دانش آموزان و زمینه خانوادگی آنان نیز بپردازند و همچنین دوره تحصیلی مختلف به خصوص ابتدایی را نیز موردتوجه قرار دهند. پیشنهاد می‌شود در برنامه درسی متوسطه اول داستان‌های اخلاقی و تربیتی نهج‌البلاغه گنجانده شود و معلمان نیز با نتایج تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه بیشتر آشنا شوند. پیشنهاد دیگر این است مسابقاتی با تمرکز بر استخراج نکات تربیتی و اخلاقی نهج‌البلاغه در مدارس بیشتر موردتوجه قرار گیرد.

### موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد.

### تشکر و قدردانی

از همه دوستان و اساتید گرامی و به‌خصوص دانش آموزان عزیزی که به‌صورت داوطلبانه در پژوهش شرکت کردند کمال تشکر به عمل می‌آید.

### مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش یکسانی داشتند.

### تعارض منافع

بین نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد. همچنین منابع مالی پژوهش بر عهده نویسنده اول بوده است.

### References

- Forgan, J. W. (2002). Using biblio therapy to teach problem solving. *Intervention in School and Clinic*, 38 (2): 75 - 83.
- Freud, Sigmund. (1920). *A General Introduction to Psychoanalysis*. Trans. by G. Stanley Hall. New York: Boni and Liveright. Bartleby. com, 2010.
- García - Sancho, E; Salguero, J. M; & Fernández-Berrocal, P. (2014). Relationship between emotional intelligence and aggression: A systematic review. *Aggression and Violent Behavior*, 19: 584 – 591.
- Gardner, H. (1993). *Multiple Intelligences: The Theory in Practice*, Basic Books.
- Golman, D. (1995). *Emotional intelligence*. New York. Bantam books, 55 – 86.
- Goodwin, T; Pacey, K; & Grace, M. (2003). Children: Violence prevention in preschool settings. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing*, 16: 52 -59.
- Gurian, M. (1997). *The wonder of boys*. New York: Tarther – Putnam.
- Gutierrez – Clellen, V. F; De Curtis, L. (2001). Examining the quality of children,s stories: clinical applications. *Semin Speech Lang*. 22 (1): 79 – 89.
- Harkins, D. A; Koch, P. E; & Michel, G. F. (1994). Listening to maternal story telling affects narrative skill of 5 – year - old children. *The Journal of Genetic Psychology*, 155: 247 – 257.
- Helgeson, V. S. (2004). Cognitive adaptation children. *Health psychology*, 22 (1), 30 – 38.
- Kozden, A. (1997). Conduct disorder across the life span. In S. Luthar, J; & Burack, D. Cicchetti (Eds.), *Developmental psychology: Perspectives on adjustment, risk, and disorder*, 248 – 272.
- León Moreno, C. Musitu Ochoa, G. Cañas Pardo, E. Estevez Lopez, E. & Callejas Jerónimo, J. E. (2021). Relationship between school integration, psychosocial adjustment and cyber-aggression among adolescents. *International journal of environmental research and public health*, 18(1), 108.
- Lorenz, K. Z. (1974) *Civilized world Eight Deadly Sins*. New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Mac Niel, G. (2002). School bullying: An overview. In L. Rapp – Paglicci, A. Roberts, & J. Wodarski (Eds), *Handbook of violence*. New York: Wiley.
- Makarem Shirazi, N. (2011). *Message of Imam Amirul Momineen (AS)*, Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib (AS) Publications.
- Maloney, K. (2007). *Critical Review: Efficacy of Narrative-Based Intervention on Improving Oral Narrative Skills in Children with*
- Buss, A. H; & Perry, M. (1992). The aggression questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63, 452 – 459.
- Casey, B; Kersh, J. E; & Young. J. M. (2004). Story Telling Sagas: On Effective Medium for Teaching Early Childhood Mathematics, *Early Childhood. Research quarterly*. 19 (1): 167 – 172.
- Castillo, Ruth; Salguero, José M; Fernández-Berrocal, Pablo; & Balluerka, Nekane. (2013). Effects of an emotional intelligence intervention on aggression and empathy among adolescents. *Journal of Adolescence*. 36: 883 – 892
- Ciarrochi, J. V; Chan, A. Y. C; & Caputi, P. (2000). A critical evaluation of the emotional intelligence construct. *Personality and Individual Differences*, 28 (3), 539 – 561.
- Cook, J. W; Taylor, L; & Silverman, P. (2004). The application of therapeutic storytelling techniques with preadolescent children: A clinical description with illustrative case study. *Cognitive and Behavioral Practice*, 11 (2): 243 – 248.
- Crick, N. R; Casas, J. F; & Masher, M. (1997). Relational and overt aggression in preschool. *Developmental Psychology*, 33: 579 – 588.
- Dabke, D. (2016). "Impact of leader's emotional intelligence and transformational behavior on perceived leadership effectiveness: A multiple source view. *Business Perspectives and Research* 4(1), (2016): 27-40.
- Derksen, F; Marlow, P; & Harris, L. (2002). Emotional intelligence group treatment program for children behavior disorder. *Behavior Disorder*, 4 (4), 441 – 446.
- Dwivedi, K. N. (1997). *The therapeutic use of stories*. London: Routledge.
- Eftikhar Saadi, S., Mehrabizadeh Honarmand, M., Najarian, B., Ahadi, H., & Asgari, P. (2010). Investigating the effect of emotional intelligence training on reducing aggression and increasing individual-social adjustment in female students of the second year of high school in Ahvaz city. *Quarterly Journal of New Findings in Psychology*, 4(12): 137-149.
- Fathi, K., Adib Sereshki, N., & Sajidi, F. (2013). The effect of emotional intelligence training on reducing aggression and hyperactivity of female students with physical-motor disabilities. *Special Journal of Pediatric Neurorehabilitation*, 14 (6): 134-129.
- Fiorention, L; & Howe, N. (2004). Language Competence. Narrative Ability, and School Readiness Low – Income. *Preschool Canadian. Journal of Behavioral Science*. 36 (4): 280 – 294.

- Language Impairments. School of Communication Sciences and Disorders, UWO.
- Mayer, J. D. Caruso, D. R. & Salovey, P. (2016). The ability model of emotional intelligence: Principles and updates. *Emotion review*, 8(4), 290-300.
- Salehi Babamiri, N., & Faraji, Y. (2019). Investigating the role of the family in the education of children from the perspective of Nahj al-Balagha. *Studies in Psychology and Educational Sciences*, 3(41): 73-84.
- Shahim, S. (2007). Relational aggression in preschool children. *Iranian Journal of Psychiatry and Psychology*, 3(12):271-264.
- Silver, R. (2007). *The silver drawing test and draw a story*. New York and London: Routledge.
- Smith, P; & Sharp, S. (1995). The problem of school bullying. In: P. Smith & S. Sharp (Ed), *School bullying insights and perspectives*. London – New York: Routledge.
- Sukhodolsky, D. G; Kassinove, H. & Gorman, B. S. (2004). Cognitive - behavioral therapy for anger in children and adolescents: A meta – analysis. *Journal of Aggression and Violent Behavior*, 9: 247 – 269.
- Talebi, E., Mazrouei, M., & Nematollahi, S. (2019). Investigating effective factors from the perspective of Nahj al-Balagheh in determining the position of teachers and the professional qualifications of educators, *Journal of New Achievements in Human Sciences*, 2(18): 1-13.
- Trinidad, D. R. (2002). The association between emotional Intelligence and early children behavior disorder. *Journal of personality and individual differences*. 40: 110 – 121.
- Yavand Hasani, A. (2011). Investigating and comparing the effectiveness of group counseling using the cognitive-behavioral method and story therapy in reducing behavioral disorders of male high school students in the Sardroud region of Hamedan in the academic year of 1989-90. Master thesis of psychology of Allameh Tabatabai University.

